



بررسی مقایسه‌ای رویکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون پرونده هسته‌ای (۱۳۷۶-۱۳۹۷)

رحیم پیری ۱ - علیرضا رضایی ۲

چکیده

بدون شک پرونده هسته‌ای، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در سه دهه‌ی گذشته است که سیاست داخلی و خارجی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در این میان بازیگران خارجی به ویژه قدرت‌های بزرگ در روند شکل‌گیری و تبدیل بعد فنی-حقوقی آن به پرونده‌ای سیاسی-امنیتی، نقشی بی‌بدیل و اساسی داشته‌اند که تاکنون آثار و پیامدهای گوناگونی به دنبال داشته است که کنکاش پیرامون روند شکل‌گیری و بررسی زوایای مختلف این پرونده از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و مقاله حاضر بر آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و کاربست نظریه گفتمان به این سؤال اصلی پاسخ دهد که الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای کدام‌اند و چه آثار و پیامدهایی به دنبال داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایجاد مدیریت واحد در پرونده هسته‌ای (در دوره اول)، تبدیل موضوع هسته‌ای به گفتمانی عمومی و مقابله با زیاده‌خواهی کشورهای غربی (در دوره دوم)، افشای چهره ایالات متحده و کاهش سطح اعتماد عمومی به این کشور (در دوره سوم) مهم‌ترین نقاط قوت و هم‌چنین انفعال در برابر شورای حکام و تهدیدات کشورهای غربی (در دوره اول)، سوءاستفاده کشورهای غربی از گفتمان احمدی‌نژاد (در دوره دوم)، گره زدن مسائل اقتصادی با پرونده هسته‌ای و تفسیرهای متفاوت از برجام (در دوره سوم) از مهم‌ترین نقاط ضعف دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان، پرونده هسته‌ای، صلح‌گرایی، اصول‌گرایی، عدالت‌محور، اعتدال‌گرایی

DOI: 10.2783.4999/PRIW.2022.1105.1.24.1

۱ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران
Alavia127@gmail.com
۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران
IR.Alirezazai@gmail.com

شماره (۲۴)

سال ۹
بهار ۱۴۰۱

مقاله علمی

تاریخ دریافت:
۱۳۹۸/۱۲/۱۷
تاریخ پذیرش:
۱۳۹۹/۰۲/۲۴
صص: ۱-۳۶



مقدمه

فعالیت‌های هسته‌ای ایران از اواخر دهه ۵۰ میلادی (۱۹۵۷) با همکاری ایالات متحده، به‌عنوان بخشی از برنامه اتم برای صلح آیزنهاور، رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد (www.cfr.org). آیزنهاور، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در سال ۱۹۵۷ در دیدار با سران انگلستان، فرانسه و آلمان غربی، نگرانی خود از احتمال حمله ناگهانی اتحاد شوروی به مرزهای شمالی ایران اعلام کرد. بر این اساس، وی به دوستان غربی خود گفت: برای حفظ منافع آمریکا لازم است ایران اتمی شود. یک سال بعد از امضای موافقتنامه ایران و آمریکا، دولت وقت ایران در سال ۱۹۵۸ به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ درآمد و در سال ۱۹۶۷، راکتور تحقیقاتی پنج مگاواتی در دانشگاه تهران راه‌اندازی شد (بصیری و قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۵). پس از آن در سال ۱۹۷۴ سازمان انرژی اتمی ایران^۲ تأسیس و بلافاصله به دنبال آن، ایران به منظور ساخت راکتور برق هسته‌ای با کشورهای آمریکا، فرانسه و آلمان غربی وارد مذاکره شد. در سال ۱۹۶۷ ایران از آمریکا یک راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی خریداری کرد و در دانشکده فنی امیرآباد تهران قرارداد شد (یوسف‌پور و رحیمی، ۱۳۸۱: ۴۰). در تاریخ ۱ ژوئیه ۱۹۶۸ (۱۳۴۶)، ایران پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۳ را امضا کرد. شش سال بعد، ایران موافقتنامه پادمان خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۴ را تکمیل کرد (www.cfr.org).

ایران تا سال ۱۹۷۹ (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۸) برای خرید شش راکتور برق هسته‌ای با آلمان، فرانسه و آمریکا قراردادهایی منعقد کرده بود، دو راکتور برق هسته‌ای ۱۳۰۰ مگاواتی از نوع آب سبک آلمانی در بوشهر به میزان ۶۵ و ۷۵ درصد تکمیل شده بودند و آماده‌سازی محل استقرار راکتورهای ۹۳۵ مگاواتی فرانسوی نیز در دارخوین آغاز شده بود. (یوسف‌پور و رحیمی، ۱۳۸۱: ۴۰) اما فعالیت‌های هسته‌ای ایران پس از سرنگونی رژیم شاه و مقارن با ناآرامی‌های سال‌های اولیه انقلاب، عملاً متوقف ماند و فشار قدرت‌های بین‌المللی برای متوقف نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران به نخستین سال‌های پس از انقلاب بازمی‌گردد. زمانی که آلمان در سال ۱۳۶۱ از تکمیل و

1 IAEA

2 AEOI

3 NPT

4 IAEA

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر انصراف داد (گلشن پژوه و احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). پس از پایان جنگ تحمیلی، دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، تلاش ناموفقی را در جهت راه‌اندازی مجدد پروژه‌های هسته‌ای دنبال کرد. در دوران اصلاحات، به دنبال گزارش تیموتی گاردن در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) مبنی بر هسته‌ای بودن ایران، همچنین افشاگری گروه موسوم به منافقین در ۱۹ اوت سال ۲۰۰۲ (۲۳ مرداد ۱۳۸۱)، موضوع هسته‌ای ایران وارد مرحله جدیدی شد (میسائی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۴). صدور قطعنامه ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ (سپتامبر ۲۰۰۳) آغاز رسمی این پرونده در مقیاس بین‌المللی است. که بر اساس آن ایران باید تا ۹ آبان ماه همان سال، خواسته‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را برآورده و ضمن امضاء و اجرای بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی، فعالیت‌های فرآوری اورانیوم را متوقف کرده و اجازه دسترسی نامحدود به اماکن و تأسیسات هسته‌ای ایران به مأموران آژانس انرژی اتمی داده شود (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۵). به دنبال تصویب قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، رسیدگی به این موضوع از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد منتقل شد و ماهیت آن از سطح حقوقی- فنی به سطحی سیاسی- امنیتی تغییر یافت (گلشن پژوه و نادعلی، ۱۳۸۷: ۷۳). این در حالی بود کشورهای غربی علی‌رغم اثبات حقانیت ایران در پرونده هسته‌ای اش (که گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا و گزارش ۱۵ نوامبر ۲۰۰۷ مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌ویژه گزارش ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ وی (مؤید آن است)، صدور قطعنامه‌های شورای امنیت را بیشتر باهدف فشار سیاسی به ایران و ایجاد شکاف در داخل کشور دنبال نموده‌اند (گلشن پژوه و نادعلی، ۱۳۸۷: ۷۵). به‌طور کلی از مهرماه ۱۳۸۲ (اکتبر ۲۰۰۳) که مذاکرات هسته‌ای در دوره‌ی دولت هشتم کلید خورد تا تیر ۱۳۹۴ (ژوئیه ۲۰۱۵) که برنامه‌ی جامع اقدام مشترک معروف به برجام به امضاء رسید ۵۴ دور مذاکره‌ی هسته‌ای، دوازده دور با تروئیکای اتحادیه‌ی اروپا (انگلیس، آلمان و فرانسه) و ۴۲ دور با نمایندگان گروه ۵+۱ برگزار شد. چند دور مذاکره نیز در سطوح کارشناسی یا دوجانبه در شهرهای مختلف برگزار شد. باگذشت زمان بر تعداد و اهمیت مذاکرات نیز افزوده شد، به‌طوری که کمترین تعداد مذاکرات در دوره‌ی دولت هشتم و بیشترین آن‌ها در دوره‌ی دولت یازدهم برگزار شد (دلاورپور، ۱۳۹۶: ۱۰۷). سرانجام در تاریخ ۸ مه (۱۸ اردیبهشت)، ترامپ تصمیم گرفت ایالات متحده را از طرح

جامع اقدامات مشترک ۱ خارج و تمام تحریم‌هایی که قبلاً بر اساس این موافقت‌نامه لغو شده بودند را بازگرداند. تحریم‌های ثانویه که پس از یک دوره ۹۰ روزه در تاریخ ۶ اگوست ۲۰۱۸ (۱۵ مردادماه ۱۳۹۷) تحریم‌های خاص اجرایی و سایر تحریم‌ها در یک دوره زمانی ۱۸۰ روز پس از خروج از برجام و در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ (۱۳ آبان ماه) به اجرا در خواهند آمد. به دنبال آن در تاریخ ۶ ژوئن (۱۶ خردادماه ۹۷)، کمیسیون اروپا به‌روزرسانی مقررات مسدودکننده را تصویب کرد که در تاریخ ۷ آگوست (۱۶ مردادماه ۹۷) و با گذشت از دو ماه و عدم اعتراض به تصویب آن به اجرا درآمد (<http://europa.eu>) با توجه به موارد فوق، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۲ تاکنون، یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است که سیاست داخلی و خارجی دولت‌های مذکور را تحت تأثیر قرار داده و با دخالت قدرت‌های بزرگ از جنبه فنی - حقوقی خارج و ابعاد سیاسی - امنیتی آن به صورت فزاینده‌ای پررنگ و پیچیده‌تر نموده‌اند که این موضوع تاکنون آثار و پیامدهای گوناگونی به دنبال داشته است که با توجه به موارد فوق و اهمیت موضوع، شناخت گفتمان‌ها و متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین تأثیر قدرت‌های بزرگ بر پرونده هسته‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و کاربست نظریه‌ی گفتمان، درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که الگوی رفتاری سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای کدامند؟ و اتخاذ این رویکردها تاکنون چه آثار و پیامدهایی به دنبال داشته‌اند؟ و ساختار مقاله عبارت است از: مقدمه، روند و نحوه شکل‌گیری پرونده، پرونده هسته‌ای و رویکرد قدرت‌های بزرگ، گفتمان هسته‌ای دولت‌های ج.ا.ایران و پیامدهای آن مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت. تدوین سناریوهای احتمالی پیش‌رو و انتخاب گزینه مطلوب از بین سایر گزینه‌های موجود و نتیجه‌گیری از دیگر بخش‌های پژوهش است.

۱- پیشینه پژوهش

تاکنون آثار و تألیفات بسیار زیادی در زمینه‌ی موضوع هسته‌ای و هم‌چنین مقایسه سیاست خارجی دولت‌های گذشته نگاشته شده است که ذکر اسامی و تحلیل آن‌ها از حوصله این مقاله

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

خارج است. اما آنچه این نوشتار را از سایر نوشته‌ها متمایز می‌سازد بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع پرونده هسته‌ای در سه دوره و به‌طور هم‌زمان می‌باشد. سیر و نحوه تشکیل پرونده هسته‌ای ایران، در کتاب سیر تحولات فناوری هسته‌ای در ایران (۱۳۳۶ - ۱۳۸۶) که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است در این زمینه آمده است: در اواسط سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱ م) مأموران اطلاعاتی آمریکا ادعا کردند ایران (علاوه بر) نیروگاه اتمی بوشهر که با مشارکت روسیه به‌منظور تولید برق در حال ساخت است، دارای برنامه و تأسیسات هسته‌ای نظامی است. آنان به خبرنگاران گفتند که تأسیسات هسته‌ای اصلی ایران نظامی است و نه در نیروگاه آب سبک بوشهر، بلکه در اماکن نظامی قرار دارد. تا اینکه در ۲۳ مرداد ۱۳۸۱، علیرضا جعفرزاده، سخنگوی گروهک منافقین، نتیجه جاسوسی‌های سازمان خود را با ارائه تصاویری از سایت نیروگاه‌های اتمی نظنز و اراک افشا کرد و اعلام شد که جمهوری اسلامی ایران در نظنز و اراک تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم و راکتور آب‌سنگین ساخته است. وی طی نشستی با خبرنگاران رسانه‌های مختلف در هتل ویلارد واشنگتن که با هدف افشاگری علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود، باعث شد تا سه نام «اصفهان»، «نظنز» و «اراک» در رسانه‌های خبری مطرح شود و پس از آن موج جدیدی از تبلیغات ضدایرانی در رسانه‌های غربی ایجاد شد که به‌طور مستقیم از طرف رسانه‌های صهیونیستی و خبرگزاری‌های نزدیک به نومحافظه‌کاران آمریکا هدایت می‌شد. البته این ادعا که این برنامه‌ها به‌صورت مخفیانه دنبال می‌شد، چندان صحت نداشت و ایران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر طبق تعهدات در جریان گذاشته بود؛ اما به هر ترتیب از این مرحله به بعد، پرونده ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گشوده شد و مسئله هسته‌ای ایران به پارادایمی سیاسی و بین‌المللی تبدیل شد. بلافاصله پس از افشاگری منافقین، شبکه سی.ان.ان در برنامه‌های خبری که بر مبنای گزارش مؤسسه‌ی علم و امنیت بین‌المللی در آمریکا تنظیم شده بود، چهره‌ای مخوف از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌تصویر کشید و با سوق دادن این فعالیت‌ها به سمت تولید تسلیحات اتمی شانتاژ گسترده‌ای به راه انداخت. همان‌طور که اشاره شد، این مسئله باعث حساسیت و ورود اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. محمد البرادعی، دبیرکل آژانس، بلافاصله در مصاحبه با شبکه سی.ان.ان به اظهارات منافقین اشاره کرد و از ایران خواست به پروتکل

الحاقی ۹۳+۲ پیبوند و ضرورت بازرسی از فعالیت‌های هسته‌ای تهران را گوشزد کرد (www.irdc.ir).

این در حالی بود که آژانس‌های جاسوسی آمریکا اعلام کردند: «ایران برخلاف آنچه که دولت واشنگتن ادعا کرده است، چندان به توسعه برنامه سلاح اتمی علاقه نشان نمی‌دهد.» (www.khabaronline.ir) در واقع، تقریباً از این مقطع زمانی بود که موضوع برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان مسئله‌ای مهم، توسط بازیگران غربی، رسانه‌ها و آژانس انرژی اتمی، بر ساخته و بزرگنمایی شد و به یکی از مهم‌ترین دستور کارهای سازمان‌ها و نهادهای حقوقی بین‌المللی تبدیل گردید؛ به گونه‌ای که روابط خارجی ایران را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز تحت تأثیر قرارداد. هر صورت از تاریخ شروع مسئله هسته‌ای ایران در سپتامبر ۲۰۰۳ (شهریور ۱۳۸۱) که برنامه‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت جدی آژانس قرار گرفت تا تصویب قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارسال گردید. در مجموع با یک شرایط ویژه و خاص، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، با ورود به شورای امنیت، بعد امنیتی به خود گرفت و آنچه از رویه‌ی پیش آمده بر پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مشاهده و برداشت می‌گردد، نشان از امنیتی‌سازی یک پرونده کاملاً حقوقی و فنی دارد. در مجموع می‌توان بیان داشت که ابزارهایی نظیر منافقین، جاسوسان غرب در قامت بازرسان آژانس انرژی اتمی، جنگ رسانه‌ای غرب علیه فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پوشش و تبلیغات و فضا سازی خبری رسانه‌های غربی علیه آن و نیز اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی آن‌ها پس از گزارش‌های آژانس انرژی اتمی، قطعنامه‌های شورای حکام و نیز قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، موجب گردید که افکار عمومی جهان به سمت امنیتی ساختن این فعالیت سوق یابد و این گونه دولت‌های غربی و ابزارهای در اختیار آن‌ها موفق گردیدند که موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را که در اصل ماهیتی حقوقی و فنی داشت، به وضعیتی امنیتی تبدیل نمایند (منتظران، ۱۳۹۵). این در حالی بود که آقای البرادعی مدیر کل آژانس در سال ۱۳۸۱ در مصاحبه‌ای با شبکه خبری سی‌ان‌ان صراحتاً اعلام داشت که آژانس کاملاً از تأسیسات ایران مطلع بوده و چنین اخباری برای آژانس تازه نیست. وی تصریح می‌کند که هدف از تأسیسات ایران را درک می‌کند و معتقد است که تحت کنترل دقیق و در راستای کاربردهای صلح جویانه قرار دارند (کوشا واسکندری، ۱۳۹۱: ۳۸۱). همچنین ماجرای

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

پرونده ساختگی «پی‌ام‌دی» که آغازگر موج دامنه‌داری از اختلافات میان ایران و آژانس بود، به ادعایی باز می‌گردد که قبل از سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) از طرف کشورهای غربی علیه برنامه‌های هسته‌ای کشورمان طرح شد و ایران را در کانون اتهامات هسته‌ای نشاناند. سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و برخی از کشورهای غربی ایران را متهم کردند که طی سال‌های پیش از ۲۰۰۳ پروژه‌های مخفی سازماندهی شده‌ای را باهدف تولید سلاح هسته‌ای در دست گرفته است. این کشورها برای مستند سازی ادعاهای از طریق سرویس‌های جاسوسی خود، انواع و اقسام اطلاعات را در قالب اسناد کتبی و تصاویر، ساخته و پرداخته و به آژانس ارسال کردند. بازیگران غربی حامی این طرح با تکمیل کردن این سناریو، مقامات آژانس را مجبور کردند تا این اتهامات را به شکل یک دادخواست سیاسی درآوردند تا به این ترتیب، اتهاماتی سنگین رامتوجه ایران کنند این سناریوی سیاسی با هدف به اثبات رساندن این ادعاها دوهدف را دنبال می‌کرد؛ از یک سو درصدد بود تا تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را مستند کند و از سوی دیگر این اسناد ساختگی را در قالب یک گزارش و انتشار به صورت ارزیابی نهایی مدیرکل آژانس رسمیت بدهد. این اسناد به اندازه‌ای بی‌پایه بود که محمدالبرادعی، مدیرکل پیشین آژانس با وجود فشارهای فراوان، حاضر نبود شرح آنها را در گزارش رسمی آژانس بگنجانند و سرانجام پس از کنار رفتن وی، یوکیآمانو طی ضمیمه گزارش GOV2011/65 شرحی ۱۲ بخشی در باره این اسناد ادعایی منتشر کرد. تا به این ترتیب، خروجی گزارش‌های اثبات نشده آژانس که به یک بلوای سیاسی بزرگ علیه ایران دامن زد، بعدها با موج شدید تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه غرب علیه ایران همراه شود (سالاری، ۱۳۹۴). لریولکرسون^۱، یکی از مقامات ارشد دولت جورج بوش و از حامیان حمله به عراق، ضمن تشبیه مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) به احمدچلیبی و گروهش (کنگره ملی عراق)، تصریح کرد این گروه یک «فرقه خون‌آشام است» و هرکسی که تاکنون با مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) کار کرده می‌داند که آن‌ها اول از همه یک فرقه‌ای وحشی، خون ریزوبی رحم بودند. از دیدگاه ویلکرسون، هم‌اکنون مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین)، همان نقشی را بازی می‌کند که گروه مخالف صدام موسوم به کنگره ملی عراق ایفا کرده بود. ویلکرسون با اشاره به حمایت مقامات

1- Larry Wilkerson

آمریکایی از مجاهدین (فرقه‌رجوی) افزود: «این بسیار به وضعیت احمدچلی و کنگره ملی عراق در سال ۲۰۰۲ شبیه است. وضعیتی که من با آن خیلی آشنا هستم.» (<https://therealnews.com>). در واقع، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۲ تا کنون از مهمترین مباحث مطرح در سطح بین‌المللی است. از زمان طرح شدن این برنامه، کشورهای غربی و در راس آنها ایالات متحده، واکنش شدیدی علیه این برنامه ابراز و به تبع آن رسانه‌های غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز سعی در بزرگنمایی و تهدید جلوه‌دادن آن دارند (امیدی و مرادی فر، ۱۳۹۳: ۱۲۱). اسکات ریتر (بازرس سابق سازمان ملل در عراق و از افسران اطلاعاتی و کارشناسان خلع سلاح هسته‌ای) که از تأسیسات هسته‌ای بازدید کرده است، در بی‌اعتباری موضع‌گیری کشورهای غربی می‌گوید: این واقعیت که از آژانس انرژی اتمی چون حربه‌ای برای تبلیغات ضد ایرانی استفاده می‌شود، نوعی سوءاستفاده از نهادی است که مأموریت و مسئولیتی مهم، حیاتی و جهانی دارد. گنجاندن اطلاعات نادرست و غیرقابل تأیید در لپ‌تاپی که از سوی مجاهدین خلق (فرقه‌رجوی) به سازمان‌های اطلاعاتی ارائه شده، همراه با پافشاری برسندی که از آلوده بودن نیمکره‌های سانتریفیوژ به نوعی از اورانیوم لازم برای ساختن بمب اتمی، حکایت می‌کند، به معنای گونه‌ای سوءاستفاده ازداده‌ها برای دست یافتن به نتیجه‌ای از پیش تعیین شده است. وی در این زمینه می‌گوید: پرسش کلیدی این است که چرا آژانس به هاینونن معاون فنلاندی امور ایمنی و مأمور و مسئول بازرسی فنی اجازه می‌دهد، حرکتی تک نفره را به نیابت از آمریکا، انگلیس و غیرمستقیم اسرائیل بر مبنای اطلاعاتی از منبعی غیرقابل اطمینان چون مجاهدین خلق (منافقین) به راه اندازد؟ علاوه بر آن، چرا مأموری را چنین رها کرده‌اند تا اطلاعات حساس را در اختیار مطبوعات و گروه‌های غیرذیربط با تمایلات خاص سیاسی قرار دهد تا در نتیجه، اتهامات تأیید نشده در افکار عمومی واقعی و مستند جلوه‌کند (<http://revolution.pchi.ir>). وی با اشاره به پشت صحنه مجموعه اسناد جعلی فراوان و تحریف شده‌ای که به عنوان شواهد متقن از آن‌ها برای متهم نمودن ایران یاد می‌شود و مقایسه آن با اسنادی که به جنگ در عراق منجر شد. می‌گوید دامنه این تحریف‌ها بیش از آن زمان بوده و در ادامه اظهار داشته: یک مقام ارشد سابق وزارت خارجه آلمان داستان واقعی آن را (لپ‌تاپ موسوم به مرگ) را این چنین برای من نقل کرد که اسناد توسط یک عضو گروه تروریستی سازمان مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) در اختیار سازمان اطلاعات آلمان قرار داده است. با این وجود،

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

به خوبی نشان داده می‌شود که موساد اسرائیل برای انجام آن دسته از فعالیت‌های اطلاعاتی با هدف تحت تأثیر قرار دادن سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و دولت‌های خارجی، که نمی‌خواهد این فعالیت به اسرائیل نسبت داده شوند از سازمان مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) استفاده می‌نماید علاوه بر آن و بامشخص شدن منشأ اسرائیلی اسناد برای همه روشن می‌شود که اسرائیل تنها کشوری در جهان است که برای تحت تأثیر قرار برنامه هسته‌ای ایران، مأموریت ویژه‌ای را دنبال می‌کند. همچنین پاول پیلار (یک مقام سابق اطلاعات ملی خاور نزدیک که در فعالیت‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۱ مشارکت کرد) خاطر نشان کرده است که هیچ‌یک از برآوردها، شواهد قوی برای ساخت تسلیحات ارائه نکرده‌اند و نتیجه‌گیری برآورد سال ۲۰۰۵ و برآورد مقدماتی سال ۲۰۰۷، تحت تأثیر اسناد اطلاعاتی اسرائیل است که توسط سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) ارائه شده‌اند (Cockburn, 2014). پرونده هسته‌ای و رویکرد قدرت‌های بزرگ ابعاد سیاسی پرونده هسته‌ای ایران با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است که در دوره‌های مختلف موضع‌گیری قدرت‌های بزرگ نسبت به آن متفاوت بوده است. ایران نیز اگرچه همواره برحق خود برای دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای تأکید و رزیده است، اما نسبت به واکنش‌های رقیب استراتژی‌های مختلفی را انتخاب کرده است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). تمامی قدرت‌های بزرگ با یکدیگر به این توافق رسیده‌اند که از قدرت‌سازی کشورهای چالش‌گر جلوگیری به عمل آورند (متقی، ۱۳۸۴). از زمان مطرح شدن موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲، قدرت‌های بزرگ یعنی اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و چین بیشترین نقش را در این موضوع در سطح بین‌المللی داشته‌اند تاجایی که به نظر می‌رسد امکان مانور بازیگران منطقه‌ای در این مورد به حداقل رسیده است. برای درک رفتار قدرت‌های بزرگ در قبال برنامه هسته‌ای ایران، باید دو عنصر تشابه و تفاوت در رفتار آنها را همزمان مطالعه کرد (قهرمانپور، ۱۳۸۷). که در ادامه به برخی از رویکردهای قدرت‌های در موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود. الف) ایالات متحده آمریکا: فهم رفتار ایالات متحده در پرونده هسته‌ای ایران بدون توجه به دیدگاه استراتژیک آمریکا و هندسه ذهنی آن کشور در حوزه مناسبات استراتژیک و امنیت بین‌المللی، امکان پذیر نیست. در این زمینه سه نکته به هم پیوسته، جلب توجه می‌کند. نکته اول (این که) تمایلات هژمونیک ایالات متحده در رهبری جهانی و جلوگیری از امکان قدرت گرفتن هر بازیگر مخالف یا مزاحمی در مناسبات بین‌المللی است. دوم دیدگاه ایالات

متحده در مورد تهدیدات امنیت بین‌المللی در دوران بعد از جنگ سرد است. نکته سوم چگونگی تمرکز استراتژیک در کابینه‌های مختلف آمریکا است (سجادپور، ۱۳۹۱: ۲-۱). ایالات متحده در طی سالیان گذشته همواره تلاش کرده تا دلایل مخالفت و ضدیت خود را با برنامه هسته‌ای ایران، دروای توجیهاتی چون رفتار غیر شفاف ایران در گذشته، تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای یا بی‌نیازی این کشور به انرژی هسته‌ای به دلیل برخورداری از منابع غنی انرژی پنهان سازد و در این راه متحدان غربی‌اش را با خود همراه نماید (گلشن‌پژوه و احمدی، ۱۳۸۷: ۱۳۳). یکی از پایه‌های اساسی استراتژیک ایالات متحده در برابر جمهوری اسلامی ایران مسأله توسعه تسلیحات کشتار جمعی است که در کنار مؤلفه‌های مبارزه با تروریسم، وضعیت صلح خاورمیانه و حقوق بشر، چهار رکن اساسی تقابل ایالات متحده با ایران را تشکیل می‌دهد. بزرگ‌نمایی برنامه‌ی هسته‌ای ایران و طرح آن در مجامع بین‌المللی جنبه سیاسی دارد. از سوی دیگر سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای کاملاً روشن و مطابق با تعهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است و به هیچ وجه به دنبال ساخت سلاح‌های هسته‌ای نیست و معتقد است که این سلاح‌ها ثبات و امنیت به ارمغان نمی‌آورد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۰). و به‌طور کلی می‌توان گفت استراتژی اصلی واشنگتن در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران بر چینش هسته‌ای است. دیپلماسی، تحریم، بازدارندگی، سد نفوذ، تهدید به حمله نظامی و عملیات خرابکارانه با هدف به تأخیر انداختن فرآیند تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای ایران، مهمترین ابزارهای اجرایی این استراتژی هستند (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸). ب) روسیه: عملکرد روسیه در دهه‌های اخیر نشان داده است که هر وقت رابطه ایران و غرب (چه اتحادیه اروپا و چه آمریکا) از تنش کمتری برخوردار باشد روسیه نمی‌تواند در تعهداتش به ایران بی‌توجهی کند و هر وقت تنش شدیدتر شود قدرت چانه‌زنی روسیه در قبال ایران افزایش می‌یابد و طبق منافع ملی خود به همکاری و همگرایی با غرب می‌پردازد (امیدی، ۱۳۹۰: ۴۵). روسیه نشان داده است که به آسانی تغییر موضع می‌دهد و به دنبال امتیازگیری فردی است. روسیه با وجود سیاست اعلانی و همکاری راهبردی با ایران از لحاظ اعمالی، مناسبات خود را به مقتضای نیازهای تاکتیکی سامان می‌دهد. با بهره‌گیری از روابط سرد ایران با غرب، به ویژه آمریکا، روسیه درصدد القای این ذهنیت غلط به ایران است که همکاری با این کشور تاوان سیاسی نامطلوبی را برای آن ایجاد کرده است (کریمی‌کشه، ۱۳۹۲: ۱۰۷) در واقع روسیه از جمله کشورهایی است که به برنامه

هسته‌ای ایران یک نگاه دو پهلو دارد. زمانی که صحبت از انرژی هسته‌ای صلح آمیز و نیروگاه بوشهر و احداث کارخانه‌های جدید و آموزش تکنسین‌ها و به‌طور کلی منافع مالی و حفظ بازار و تجارت انرژی هسته‌ای می‌شود و به‌طور کلی از بازار انرژی سخن به میان می‌آید به ایران بسیار نزدیکند و علاقه‌ای ندارند که تحریم‌های سخت و جدیدی که منافع آنها را به خطر اندازد علیه ایران وضع شود. چون منافع خودشان به‌خطر می‌افتد. اما به محض آنکه احساس کنند. مسأله هسته‌ای ایران به جنبه استراتژیک، موضوعات بازدارندگی و ژئوپلیتیک هسته‌ای امنیتی نزدیک می‌شود، آن وقت منافع خود را در نزدیک شدن به آمریکا می‌بینند (برزگر، ۱۳۹۲). سیاست روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران در واقع، تلاش برای حفظ منافع این کشور در میانه ثبات استراتژیک و رقابت استراتژیک است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار سیاست خارجی روسیه، تلاش برای پرهیز از انتخاب بین غرب و ایران است (محمدی، ۱۳۹۶). ج. اتحادیه اروپا: استراتژیست‌های اروپایی، افزایش قابلیت‌های هسته‌ای کشورهای جهان سوم به ویژه کشوری مانند ایران را عاملی جهت کاهش ضریب امنیت خود و متعارض با شاخص‌های ثابت جهانی می‌دانند. بررسی روندهای طی شده در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که اروپا و آمریکا در ارتباط با عدم دستیابی ایران به حقوق هسته‌ای خود متفق‌القول هستند. آمریکا و اروپا در یک جهت کلی با هرگونه فناوری برای تولید سوخت هسته‌ای توسط ایران مخالف هستند (گلشن پژوه و حجازی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). گرچه اتحادیه اروپا از سیاستی مشابه آمریکا پشتیبانی کرده است. اما در شیوه برخورد آن‌ها با دولت ایران کماکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. ایالات متحده آمریکا سیاست منزوی ساختن کل دستگاه رهبری ایران را دنبال می‌کند، حال آن‌که H اتحادیه اروپا هنوز سیاست تقویت اصلاح طلبان در برابر محافظه کاران را تعقیب می‌کند (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۶۲). از سال ۲۰۰۳ که برنامه هسته‌ای ایران به یک مسئله بحث برانگیز در محافل بین‌المللی تبدیل شد، رویکرد اتحادیه اروپا به این موضوع از تعامل تا تقابل در نوسان بوده است. در ابتدا این اتحادیه از تعامل، گفت‌وگو و مذاکره با ایران برای حل و فصل این مسئله طرفداری می‌کرد، اما به مرور زمان، دیپلماسی اجبار را جایگزین رویکرد سابق، یعنی تعامل با ایران برای حل مسئله هسته‌ای نمود. همچنین در زمان‌هایی که روابط ایران و آمریکا متشنج بوده و واشینگتن سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای را در مورد ایران به اجرا گذاشته، اروپایی‌ها به دلیل نوع رابطه‌ای که با آمریکا دارند، این کشور را همراهی کرده‌اند. بحث هسته‌ای بارزترین مثال

در این مورد است (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۵: ۱۷۲ و ۱۴۷). وضعیت فعلی و با خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، (یکی) از پیامدهای حداقلی و ناخوشایند این رویداد آن است که در این زمینه یک اتحاد بین اروپا، چین و روسیه صورت گیرد و ایران را به ماندن در این توافقنامه متقاعد نمایند. که این موضوع به انگیزه‌های اقتصادی اروپا بستگی دارد و در واقع به معنای حفاظت از آن دسته از شرکت‌های اروپایی است که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. مگر اینکه دولت ترامپ از قصد خود برای اعمال مجدد مجازات تحریم‌های ثانویه عقب‌نشینی نماید، در غیر این صورت اروپایی‌ها مجبور خواهند شد تحریم‌هایی را که برای مصون ماندن شرکت‌های اروپایی از مجازات‌های ایالات متحده محافظت می‌کنند را بازگردانند، که اساساً به معنای خطر جنگ تجاری بین ایالات متحده و اروپا است (Dassa Kaye, 2018). (د.چین: دو عنصر اصلی شکل‌دهنده به سیاست خارجی چین در مورد مناقشه هسته‌ای ایران عبارتند از؛ مناسبات میان پکن و واشنگتن و بحث امنیت انرژی چین. در این راستا، به نظر می‌رسد تاکنون ایجاد توازن میان خواسته‌های تهران و واشنگتن، استراتژی اصلی چین در برخورد با مناقشه هسته‌ای ایران بوده است. پکن با اتخاذ این استراتژی، سعی در ایجاد توازن میان احتیاجات تجاری و تکنولوژیک خود به آمریکا از یک سو و نیاز به ایران در زمینه انرژی از سوی دیگر دارد (سلطانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۳) از سوی دیگر چین مایل نیست که اشاعه تسلیحات در خاورمیانه روی دهد و لذا گزینش «ان.پی.تی» را به مزایای روابط دوجانبه با ایران ترجیح خواهد داد. این کشور پیوسته بر شفاف‌سازی و ارایه تضمین‌های عینی مبنی بر عدم انحراف این فعالیت‌ها تأکید داشته و در برهه‌های زمانی از بدو ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، در اتخاذ مواضع خود کمابیش تحت تأثیر آمریکا بوده و با وجود اینکه تلاش دارد مواضع مستقل از موضع آمریکا بگیرد، اما به لحاظ حجم روابطی که با این کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فنی دارد، نمی‌تواند به فشارهای آمریکا در تدوین سیاست خویش در قبال این موضوع بی‌توجه باشد. سیاستمداران چینی منافع خود را در این می‌بینند که به نوعی نقش میانجی را میان ایران و آمریکا ایفا کنند و با اعمال فشار بر ایران از سویی و تعدیل مواضع آمریکا از سوی دیگر، از پیچیده‌تر شدن این موضوع جلوگیری نمایند (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰). پرونده هسته‌ای و گفتمان دولت‌های جمهوری اسلامی ایران گفتمان^۱ در رویکردهای گفتمانی به صورت

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

و اشکال مختلفی تعریف می‌شود. اما در اینجا، به معنای نظام و ساختار معنایی حاکم بر سیاست خارجی است که شیوهی خاصی از کنش و رفتار را ممکن می‌سازد. بر این اساس، گفتمان سیاست خارجی، ارزش‌ها و باورهای فردی و شخصی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی نیست، بلکه باورهای عمومی نهادینه شده‌ی مورد توافق آنان یا ساختار معنایی خاصی است که آنان در وضعیت و موقعیت مشخصی با خود دارند که به شیوهی نگرش آن‌ها به روابط و نظام بین‌الملل قوام می‌بخشد. در حقیقت گفتمان سیاست خارجی، بستر و چارچوبی است که سیاست خارجی در آن معنا می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). نظریه گفتمان، اگرچه ریشه‌ای مستحکم در دیدگاه‌ها و سنت‌های نظری گذشته دارد، رویکردی نسبتاً نو در تحلیل سیاسی است. این نظریه با تکیه بر دیدگاه‌های نویسندگان مارکسیستی چون «آنتونیو گرامشی»، و «لونی آلتوسر» و همچنین با در نظر گرفتن نظرات و فرضیه‌های ارائه شده توسط نظریه پردازان پسامدرنیستی چون «میشل فوکو» و «ژاک دریدا»، منطقی و صورت بندی‌های مفصل بندی‌های گفتمانی را می‌آزماید و به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که به واسطه آن‌ها این صورت بندی‌های گفتمانی، شکل‌گیری هویت‌ها را در جامعه امکان‌پذیر می‌سازند. بدین منظور، این نظریه در فهم روابط اجتماعی و چگونگی تحول آن‌ها، برای فرآیندهای سیاسی یعنی تضادها و کشمکش‌های بین نیروهای غیریت سازی بر سر تشکیل معنای اجتماعی نقش محوری قائل است (هوارث، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰). رهبران دولت‌ها، سمت‌گیری‌های متفاوت و سیاست خارجی مختلفی را اعمال می‌کنند. در واقع، دولت‌ها در مناسبات بین‌المللی جهت تأمین اهداف خود در راستای منافع ملی با در نظر گرفتن ساختار نظام و شرایط داخلی موجود اقدام به اتخاذ استراتژی‌های مناسب می‌کنند؛ برای درک سمت‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها توجه به قالب‌های گفتمانی که شکل دهنده الگوهای رفتاری آن‌ها است، راه‌گشا می‌باشد (کر می و کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۸). نظریه گفتمان، زبان، قدرت، ایدئولوژی، سیاست و جامعه را به هم پیوند می‌زند و عرصه پویایی از تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی به دست می‌دهد. در پرتو نظریه گفتمان می‌توان تأثیرات زبان را در حیات سیاسی و اجتماعی ملت‌ها باز شناخت. نظریه گفتمان از هنگام ورود به میدان مباحث نظری، تأثیرات عمیقی بر نظریه‌پردازی پیرامون زبان، قدرت و اجتماع داشته است. این نظریه پتانسیل‌های زیادی برای تحلیل ساز و کارهای جریان قدرت در جوامع مختلف، بویژه جامعه ما دارد و می‌تواند افق‌های نوینی از شناخت پدیده‌های سیاسی و اجتماعی فراروی ما قرار دهد (داوودی، ۱۳۸۹: ۷۲). از این رو در

بطن گفتمان انقلاب اسلامی نیز گفتمان‌های متمایز سیاست خارجی متولد شد که در چارچوب آن رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. گفتمان انقلاب اسلامی در طول زمان دستخوش تغییر و تحول شد و در دوران‌های مختلف بر سیما و مشرب‌ی متفاوت ظاهر شد. به دنبال تحولات ابرگفتمان انقلاب اسلامی، خرده گفتمان‌های سیاست خارجی نیز دچار دگرگونی و دگردیسی شدند. هر یک از این گفتمان‌ها، براساس نظام صدق حاکم بر جامعه، بر کانون‌ها، دقایق و عناصر خاصی ابتناء یافت و مفاهیم کانونی و کلیدی را در بستر گفتمانی خود باز تعریف کرد. بنابراین (در طول حدود ۴۰ سال گذشته)، گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی ظهور کردند که به صورت مختلفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عناصر آن را تحت تأثیر قرار دادند، به گونه‌ای که دال‌هایی همچون منافع ملی، قدرت و امنیت ملی، هویت ملی و نظام بین‌الملل در بستر هر یک از گفتمان‌ها معانی و مدلول‌های متفاوتی یافتند. فراتر از این، تحولات و تغییرات گفتمانی تنها در حوزه‌ی گفتمانی باقی نماندند، بلکه تأثیرات شگرفی نیز در رفتار سیاست خارجی برجای نهادند. به دیگر سخن، تحول در حوزه‌ی گفتمان‌های سیاست خارجی موجب تغییر و تحول در رفتار سیاست خارجی نیز شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷). با توجه به موارد فوق نظریه‌ی گفتمان چارچوب مناسبی برای این پژوهش می‌باشد که در ادامه گفتمان سیاست خارجی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران منبعث از گفتمان انقلاب اسلامی است را در موضوع هسته‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند:

الف) دوره اول: گفتمان سیات خارجی دولت خاتمی در موضوع هسته‌ای با انتخاب «سید محمد خاتمی» به عنوان رئیس‌جمهور در خردادماه ۱۳۷۶، خرده گفتمان «صلح‌گرایی مردم‌سالاریا لیبرال» در بطن و متن گفتمان کلان اسلام‌گرایی شکل گرفت که عقلانیت و مصلحت‌کماکان دو اصل بنیادین صلح‌گرایی در سیاست خارجی است. صلح‌گرایی نیز رویکردی انتقادی و اصلاح‌طلب به‌نظم بین‌المللی موجود اتخاذ می‌کند. نظم و وضع موجود بین‌المللی ناعادلانه و نامطلوب است، ولی جهت ایجاد و استقرار نظم و نظام عادلانه‌ی جهانی باید براساس اصول تنش‌زدایی، اعتماد سازی، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل، گفتگو و منطق مفاهمه اقدام کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲۹ و ۲۲۴). در این دوره از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست توسعه‌گرایی دوره‌ی قبل تداوم یافت. با این تفاوت که مباحث سیاسی و فرهنگی، در این فرآیند جایگزین محوریت

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اقتصادی در دوره‌ی قبل شد. در خصوص پرونده هسته‌ای نیز در مجموع، می‌توان گفت علل و انگیزه‌های مختلفی جمهوری اسلامی در دوران ریاست جمهوری خاتمی را بر آن داشت تا همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از طریق گفتگو و تعامل با سه کشور اروپایی پیگیری کند. نخست، پرونده هسته‌ای ایران از سوی مجموعه کشورهای غربی به رهبری آمریکا گشوده شده بود؛ دوم، با وجود نزدیکی استراتژیک آمریکا و اروپا، این دو بازیگر رویکردهای متفاوت به چگونگی حل و فصل و مدیریت بحران هسته‌ای ایران داشتند؛ سوم، هرچند ایران تعامل با اروپا را در چارچوب سیاست توازن پیگیری می‌کرد اما توافق اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی با هماهنگی آمریکا انجام شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۰۰-۴۹۹). کشورهای غربی نتوانستند در برابر فضای دموکراتیک و همچنین انعطاف‌پذیری ایران اقدامات متقابل را به انجام رسانند. به همین دلیل بود که فضای سیاسی و بین‌المللی جدیدی شکل گرفت. در این دوران روندهای مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی آغاز شد. کشورهای غربی، اعتمادسازی مورد نظر ایران را به عنوان فریب سیاست خارجی ایران تلقی نمودند. به همین دلیل بود که آمریکا تئوری گذار از خاتمی را در سیاست خارجی خود به کار گرفت. روندی را که آقای خاتمی در سیاست خارجی ایران مورد استفاده قرار داده بود از سال ۲۰۰۲ به بعد کارایی خود را از دست داد. به عبارت دیگر، نشانه‌های مختلفی از عدم موفقیت سیاست خارجی ایران، در چارچوب روند همکاری گرایشی و اعتمادسازی مشاهده می‌شود (متقی و جمالی پور، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۹).

ب) دوره دوم: گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی نژاد در موضوع هسته‌ای پس از انتخابات نهمین دوره‌ی ریاست جمهوری و انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۱۳۸۴، خرده گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم گردید. آنچه که گفتمان اصول‌گرایی را از دیگر خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی متمایز می‌کند، معنا و جایگاه نظم و نظام بین‌الملل است. از منظر گفتمان اصول‌گرایی، نظم و نظام بین‌الملل موجود کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب است. نظام بین‌الملل موجود، نمود و نماد عینی بی‌عدالتی، نابرابری، تبعیض و اعمال سلطه است. بنابراین، این گفتمان که حول محور دال متعالی عدالت قوام و هویت می‌یابد و تمامی دال‌ها و مفاهیم را برپایه آن تعریف می‌کند، اهمیت و اولویتی ویژه برای عدالت گسترده در سیاست خارجی ایران قائل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۳۷ و ۲۲۹).

تجربه تعاملی خاتمی با غرب مثبت نبود و ایران به ویژه در عرصه مذاکرات هسته‌ای، جزء عقب نشینی کار دیگری نکرد و امتیازی کسب ننموده بود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد احمدی‌نژاد تمایل به این امر داشت که با دولت قبلی که آن را از لحاظ سیاسی آنتی‌تر خود می‌دانست متفاوت باشد احمدی‌نژاد برای جلوگیری از انزوای ایران که نتیجه تقابل گرایانه و تهاجمی انقلاب بود، یک سیاست خارجی تعاملی-تقابلی در قبال کشورهای غیرغربی و همچنین دیپلماسی عمومی فعال در قبال دولت‌ها و ملت‌های غربی را اتخاذ کرد (صادقیان و موسوی، ۱۳۹۶: ۱۳). در دوره احمدی‌نژاد، مسئله هویت و شناخت خود و دیگران دستخوش تغییرات اساسی شد و هویت جدید، مبنای ساخت و تکوین الگوی رفتاری سیاست خارجی و اساس تغییر الگوهای دوستی، دشمنی و متحدان جدید آن به شمار آمد (باقری دولت آبادی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۵: ۲۵۵). تأکید بر اتخاذ دیپلماسی مستقل از وابستگی به قدرت‌های استکباری، نفی نظام بین‌المللی حاکم و تلاش در برقراری نظام عادلانه بین‌المللی به همراه تأکید برداشته‌ی اخلاقی از دولت و وظائف در کنار اهتمام به بحث صدور انقلاب سبب گردید که در این دوره سیاست خارجی کشور جنبه مکتبی به خود بگیرد (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۷۰). در این دوره، ایران هنجارهای داخلی را ملاک رفتار خود در عرصه سیاست خارجی قرار داد. این امر، خوشایند قدرت‌های بزرگ اروپایی، آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً شورای امنیت سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نبود. اقدامات خصمانه‌ای همچون صدور قطعنامه‌های متعدد در شورای امنیت از نمودهای سیاست تقابلی و خصمانه‌ی غرب، قدرت‌های بزرگ، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در این مقطع بود (باقری دولت آبادی و شفیعی سیف آبادی، ۱۳۹۵: ۲۵۶).

ج) دوره سوم: گفتمان سیات خارجی دولت روحانی در موضوع هسته‌ای با آغاز به کار دولت یازدهم در ۱۳ مردادماه ۱۳۹۲ خرد گفتمان دیگری در چارچوب کلان گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خرد گفتمان، براساس گفتمان عام این دولت، اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. مهمترین ویژگی گفتمان اعتدال‌گرایی ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۶۱: ۱۳۹۳). دکتر ظریف (وزیر امور خارجه) درباره سیاست خارجی روحانی می‌گوید: «ما چشم‌اندازهای متفاوتی نسبت به جهان داریم. ما جهان را ضرورتاً سیاه و سفید نمی‌بینیم

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

ما معتقدیم که امکان ارتباط و تعامل وجود دارد. برای این که با کسی حرف بزنید، ارتباط داشته باشید یا به درک مشترک برسید، نیاز نیست که حتماً با او موافق باشید. او می‌افزاید: «در آخر، ما حقیقتاً بیشتر به خودمان مطمئن هستیم. ما معتقدیم که می‌توانیم مذاکره کنیم و به هدفمان برسیم، چرا که ما توانایی بیان نظراتمان به صورت منطقی داریم و می‌توانیم طرف مقابل را متقاعد کنیم که با ما به توافق برسد.» (Wright, 2014). در واقع اصل کلی مورد اهتمام دولت یازدهم و اکنون دولت دوازدهم در حوزه سیاست خارجی تعامل سازنده در روابط بین‌الملل می‌باشد که این سیاست، متناسب با یک دولت توسعه‌گرا قلمداد می‌شود. بر مبنای این اصل، تعامل سازنده با دنیا همواره مورد تأکید نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و در واقع بدون رابطه سازنده با دنیا نمی‌توان منافع کشور را تأمین کرد (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۶: ۱۴۸). پرونده هسته‌ای، گفتمان دولت‌های ج.ا.ا و پیامدهای آن سیاست خارجی دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی در چارچوب گفتمان‌های هر دولت شکل گرفته و پرونده هسته‌ای نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تحت تأثیر آن آثار و پیامدهایی به دنبال داشته است که در ادامه و به تفکیک مهمترین نقاط مثبت و منفی هر دوره اشاره می‌شود:

الف) دوره اول: دولت خاتمی (از سال ۱۳۸۴-۱۳۷۷) در این دوره دیپلماسی هسته‌ای دولت‌های هفتم و هشتم بر اساس گفتمان صلح‌گرایی و مردم‌سالاری دنبال شد که با توجه به شرایط آن زمان آثار و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال داشت که در ادامه به اهم آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲- گفتمان سیاست خارجی دولت خاتمی

۲-۱- نقاط قوت دوره اول

۱- راه‌اندازی چرخه سوخت هسته‌ای

خاتمی و دولت وی از زمان روی آمدن در تابستان ۱۳۷۶، نه فقط به طور مؤکد برنامه طراحی شده هسته‌ای برای راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر در دولت هاشمی رفسنجانی را پیگیری نمود، بلکه با کار جدی بر روی طراحی و راه‌اندازی برنامه چرخه سوخت هسته‌ای در ادامه کارهای اولیه‌ای که بر روی آن صورت گرفته بود، اراده قاطع خود را برای تحقق یک برنامه همه‌جانبه صلح‌آمیز هسته‌ای شامل احداث نیروگاه و طراحی تأمین سوخت به اثبات رسانید. این مجموعه برنامه‌ها، حجم قابل توجهی از منابع مالی، انسانی و مدیریتی را به خود جلب نمود.

۲- ایجاد مدیریت واحد در پرونده هسته‌ای

پیچیدگی‌های سیاسی-امنیتی پرونده هسته‌ای و ابعاد مختلفی که پیگیری مباحث آن حداقل در دو سطح مذاکرات سیاسی با کشورهای اروپایی و نحوه همکاری‌ها با آژانس که مکمل هم بوده و در یک مجموعه سیاسی قرار می‌گرفتند، به خوبی نشان می‌داد که مدیریت واحدی که چنین پرونده‌ای را هدایت می‌کند باید نقش فراتر از قوه‌مجریه داشته باشد. نحوه پیگیری این پرونده دارای تبعات و پیامدهای عمیق بر استقلال، امنیت و تمامیت حاکمیت کشور بوده و به همکاری ملی در سطحی گسترده و فراتر از نهادهای اجرایی دولت نیاز داشت. بدین ترتیب بود که امکان مدیریت این پرونده توسط شورای عالی امنیت ملی که براساس قانون اساسی عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در کشور در حوزه‌های امنیتی بود، پیشنهاد و به تصویب دولت خاتمی رسید (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۶ و ۲۱۳).

۲-۱- ضعف دوره اول

۱- انفعال در برابر شورای حکام و تهدیدات کشورهای غربی

به پیشنهاد کشورهای اروپایی، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که ضرب‌الاجل ۵۰ روزه‌ای را تا ۹ آبان برای ایران تعیین کرد تا پروتکل الحاقی را امضاء کند. شورای حکام در این قطعنامه از ایران می‌خواهد تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی از جمله ارسال مواد هسته‌ای به نطنز و هرگونه فعالیت باز فرآوری را به‌عنوان یک اقدام اعتمادساز، تا ارائه تضمین‌های مورد نیاز اعضا توسط مدیرکل و اجرای رضایتمندانه‌ی مفاد پروتکل الحاقی، تعلیق نماید. این در حالی است بر اساس مفاد صریح اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، طرح هرگونه درخواست و الزام ایران به تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی، خلاف مقررات آژانس می‌باشد و فاقد مشروعیت بوده است. «البرادعی» به این موضوع نیز اذعان و گفت: «خواست آژانس و شورای حکام در قطعنامه صادره، با قوانین موجود بین‌المللی در زمینه‌ی هسته‌ای مطابقت ندارد، اما با وجود غیرقانونی بودن قطعنامه، ایران بایستی تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی را متوقف سازد.» پس از انتشار قطعنامه‌ی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مضاعف شدن فشارهای سیاسی به ایران، هماهنگ با سیاست کشورهای غربی، (محمد رضا خاتمی) نایب رئیس وقت مجلس (همسو با دولت) در یک موضع‌گیری قابل تأمل، به اتحادیه‌ی اروپا حق داد که از

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

فعالیت‌های هسته‌ای ایران نگران باشند و این نگرانی را امری طبیعی دانست وی هم چنین در این باره گفته است «من معتقدم هیچ مشکلی برای امضای پروتکل الحاقی وجود ندارد. پروتکل تعریف شده است و ما هیچ شرطی جز امضای آن نداریم.» و از سوی دیگر عده زیادی از نمایندگان مجلس ششم (فراکسیون اکثریت و همسو با دولت) معتقد بودند که مجلس باید با تصویب قانون، دولت را ملزم به پذیرش پروتکل الحاقی نماید. این دقیقاً موضوعی است که یکی از سه وزیر خارجه‌ی کشورهای اروپایی در هنگام مذاکره با هیئت ایران مطرح کرده بود: «اگر شما هم تن به پذیرش قطعنامه ندهید، ما خیر داریم که مجلس شما با یک طرح سه فوریتی شما را ملزم به چنین کاری خواهد کرد.» به دنبال آن دولت خاتمی در تاریخ سوم شهریور ۱۳۸۲، نامه رسمی اعلام آمادگی ایران برای مذاکره با آژانس را پیرامون پذیرش پروتکل الحاقی به البرادعی تسلیم کرد. و وزیر خارجه وقت دولت هشتم به «کالین پاول» وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا گفته بود که پیگیری برنامه هسته‌ای، اولویت دولت اصلاحات نیست. طرف‌های غربی نیز که ضعف و عقب نشینی طرف ایرانی را مشاهده کردند، ادعاهای بیشتری را مطرح نمودند و غربی‌ها به محض این که احساس می‌کردند می‌توانند از طرف ایرانی به راحتی امتیاز بگیرند، ادعاهای طلبکارانه خود را افزایش دادند (غضنفری، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۴). قرار بود بعد از پذیرش پروتکل الحاقی در بیانیه سعدآباد سنگ‌اندازی‌ها و کارشکنی‌ها خاتمه یابد، ولی نه فقط کارشکنی‌ها و بهانه جویی‌های غربی‌ها خاتمه نیافت، بلکه بر شدت آن هم افزوده شد. علی‌رغم انجام کلیه تعهدات از سوی ایران همچون تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی و گسترش دامنه آن امضای پروتکل الحاقی و اجرای آن، موافقت با بازرسی‌های سرزده و بی‌شمار و فراتر از پروتکل الحاقی حتی از تأسیسات نظامی ایران و ...، طرف غربی نه تنها به تعهدات خود مانند دسترسی ایران به فن آوری‌های نوین و عادی سازی پرونده هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۰۴ و ... آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ... عمل نکرد، بلکه با طولانی کردن روند مذاکرات، درصدد برآمد ایران را از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای که براساس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای حق مسلم ایران به شمار می‌رفت، محروم کند (رسولی‌ثانی آبادی و عسکری، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۵). ظریف در مصاحبه با نیویورک تایمز در این باره می‌گوید: «به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ نتیجه شکست غرب در پاسخ به گام‌های مثبت دیپلماتیکی بود که در دوران اصلاحات برداشته شد.» وی می‌گوید: «در دوره خاتمی ایران سیاست شفاف‌سازی و تعامل را در پیش گرفته بود. اما واکنش غرب براساس

توهم بود. متأسفانه گروهی در کاخ سفید نشسته‌اند که دانش فوق‌العاده محدودی از روابط جهان دارند. واکنش آن‌ها به این صداقت، غرور واهی و توهم‌آمیز بود. مردم ایران کرامت خود را در معرض خطر می‌دیدند و معتقد بودند که شفافیت دولت با زیاده‌خواهی و دشمنی بیش از حد مواجه شده است. از این رو آنها کسی را انتخاب کردند که در نقطه مخالف این رویکرد قرار داشت.» (Wright, 2014). شرایط به گونه‌ای بود که نسبت به ارسال نامه ۲۰۰۳ دستگاه سیاست خارجی دولت خاتمی به آمریکا مبنی بر ترسیم نقشه راه برای ایجاد رابطه میان ایران و آمریکا، که توسط «تیم گولدیمن» سفیر وقت سوئیس در اختیار مقامات آمریکایی قرار گرفته بود بی‌اعتنایی کردند. «صادق خرازی» سفیر وقت ایران در پاریس و از نزدیکان محمد خاتمی در جلسه بررسی سیاست خارجی دولت هشتم در بنیاد باران در این زمینه اظهار داشته است: «ما برای اعتماد سازی اقدام به نگارش این نامه کردیم.» (بی‌نام، ۱۳۸۵).

۲- مذاکره با سه کشور اروپایی به عنوان حکم و ایجاد رویه علیه ج.ا.ا

اروپا طی این مدت روندی را در پیش گرفته تا با نشان دادن سیاست «چماق و هویج» از گفتگوهای انتقادی یا سازنده، برای اعمال فشار علیه ایران بهره بگیرد و ایران را به تغییر مشی سیاسی خود وادار نماید. در مذاکرات سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان با ایران در مورد پذیرش پروتکل الحاقی، آن‌ها هرگز به تعهدات خود عمل نکرده‌اند و کاملاً هماهنگ با آمریکا مذاکرات را پیش برده‌اند (خالوزاده، ۱۳۸۹). «عسکرخانی»، پژوهشگر امنیت بین‌الملل در این باره می‌گوید: «بزرگترین اشتباه ما مذاکره با اروپایی‌ها بود. اروپایی‌ها طرف حساب ما در معاهدات نیستند. معاهده‌ای که ما امضا کرده‌ایم بین‌المللی است. طرف ما آژانس و جامعه بین‌المللی است و در هیچ جای معاهدات نیامده که ما وارد مذاکره با سه کشور اروپایی شویم و در نتیجه به بازدارندگی و تهدیدهای آن سه کشور (باید تن) بدهیم. ما وقتی با سه کشور اروپایی مذاکره می‌کنیم یعنی آنها را به عنوان «حکم» پذیرفته‌ایم و وقتی آنها را به عنوان حکم پذیرفتیم پیامدهایی که این سه کشور اروپایی از ما می‌خواستند از جمله تعلیق غنی سازی هرچند داوطلبانه بود به «تعهد» تبدیل شد. اروپایی‌ها مذاکره کردند که تا خواسته آمریکا را به ما تحمیل کنند. در قطعنامه‌های مختلف که علیه ایران صادر شده اشاره شده است که ایران باید Full and prompt copration از خود نشان دهد «همکاری

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

کامل و فوری»^۱. این عبارتی استاندارد و حقوقی است که ساخته و پرداخته آمریکایی‌ها در ۱۰۰ سال گذشته است و در معاهدات مختلف به چشم می‌خورد؛ ایجاد «رویه» علیه ایران است. همین قطعنامه‌هایی که صادر شده و مذاکراتی که صورت گرفته آهسته آهسته علیه ایران ایجاد رویه کرده است و ما به دست خودمان رویه‌ای را که وجود نداشت، ایجاد کردیم. (عسکرخانی، ۱۳۸۴) و بنا به گفته وی در واقع یک شورای امنیت اروپایی تشکیل و مذاکره به سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان محدود شد.

۳- رقابت و عدم هماهنگی بین سازمان انرژی اتمی و وزارت امور خارجه در پرونده هسته‌ای

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه در کتاب «سفیر» در این باره نوشته است: «پایه‌ی خارجی، یکی از مشکلات هسته‌ای بود. این مشکل یک پایه‌ی داخلی نیز دارد که ندانم کاری و رقابت‌های سازمانی در داخل جمهوری اسلامی ایران است. آمریکا به دنبال بهانه بود تا در دنیا ما را تحت فشار قرار دهد و متأسفانه ما این بهانه را به دست این کشور دادیم. به این ترتیب که دستگاه مسئول وقت (سازمان انرژی اتمی) فکر می‌کرد در بعضی اقدامات مربوط به تأسیسات هسته‌ای ضرورت گزارش‌دهی به آژانس وجود ندارد و از همان ابتدا احساس می‌کردند که بعضی اقدامات می‌تواند با قالب‌های دیگری دنبال شود. علت آن، رقابت‌های بین سازمانی به خصوص بین سازمان انرژی اتمی و وزارت امور خارجه بود که تنها مربوط به دوره‌ی جمهوری اسلامی ایران نیست و سابقه‌ی این رقابت به زمان شاه هم برمی‌گردد. سازمان انرژی اتمی اعتقاد دارد که مسئولیت پیگیری تمام موضوعات انرژی اتمی از جمله سیاست خارجی آن، با اوست. این مسئله در زمان شاه نیز وجود داشته، اما چون هم وزارت امور خارجه و هم سازمان انرژی اتمی زیر نظر شخص شاه بوده تا حد قابل توجهی این رقابت کنترل می‌شده است. در جمهوری اسلامی این کنترل تا حد زیادی برداشته شد و سازمان انرژی اتمی نیز با یک دیدگاه فنی، بحثی سیاسی را دنبال می‌کرد که در آن تخصص نداشت. این امر باعث شد که سازمان انرژی اتمی با دیدگاهی کاملاً خوشبینانه، فکر کند که موضوع ظرف یکی دو ماه حل می‌شود، به خاطر این که می‌دانست ما به دنبال بمب نیستیم و سازمان انرژی اتمی گفته بود که هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ اما وزارت امور خارجه که متوجه ابعاد بین‌المللی آن بود، می

1- Full and prompt cooperation

دانست که آمریکا به دنبال بهانه است و الزاماً از وجود دو نیروگاه هسته‌ای در ایران نگران نیست. می‌خواهد اعمال فشار کند و ایران را از حقوق خود محروم سازد. در واقع می‌خواهد ایران را در جامعه بین‌المللی منزوی کند. تا شهریور ۱۳۸۲ مسئولیت کامل دیپلماسی در آژانس، به عهده‌ی سازمان انرژی اتمی بود. یعنی نماینده‌ی ایران در آژانس، کارمند یا منصوب سازمان بود و به رئیس سازمان گزارش می‌داد و هیچ رابطه‌ی تشکیلاتی با وزارت امور خارجه نداشت. تا این که قطعنامه‌ی شهریور ۱۳۸۲ آژانس صادر شد. تصویری که دوستان در سازمان از این وضعیت داشتند، با واقعیات سیاسی دنیا منطبق نبود. آنها به درستی از منظر یک موضوع تکنیکی فکر می‌کردند که این موضوع تبدیل به جنجال نمی‌شود. اما آنها جو سیاسی دنیا و این که آمریکا به دنبال چیست و کشورهای دیگر نگران قدرت ایران در منطقه پس از سقوط صدام هستند و نیاز به بهانه‌ای برای کنترل این قدرت دارند را مورد توجه قرار نمی‌دادند. متأسفانه این موضوع زمانی برای مسئولین کشورجا افتاد که از یک موضوع تکنیکی فراتر رفته بود و متأسفانه آژانس اولین قطعنامه‌ی خود را با لحن بسیار تند در شهریور ۱۳۸۲ تصویب کرده بود. تا این که اصرار شد مسئولیت به عهده‌ی وزارت امور خارجه باشد و به اصرار وزارت خارجه، مسئولیت به شوروی امنیت ملی محول شد (راجی، ۱۳۹۶: ۲۵۰-۲۴۹ و ۲۳۰-۲۲۹).

۴- شتاب زدگی و عدم دقت در اعلام ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای

سازمان انرژی اتمی در تاریخ اول آبان‌ماه ۱۳۸۲، اظهارنامه‌ها و اسناد برنامه هسته‌ای ایران در گذشته را به آژانس ارائه کرد. «البرادعی» طی مصاحبه‌ای در این خصوص گفت: «مجموعه عظیمی از اسناد به آژانس ارائه شده که ما باید کار راستی‌آزمایی درخصوص آنها را آغاز کنیم.» و در آن طرف ایرانی یک اظهار نامه ۱۰۳۳ صفحه‌ای فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به آژانس تسلیم کرد که در آن جزئیات مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران از پیش از انقلاب تا آن تاریخ وجود داشت. در واقع این اقدام در طول تاریخ همکاری کشورها با آژانس بی‌سابقه بود و طی آن حجم انبوهی از اطلاعات به کلی سری کشور به دلیل ارائه‌ی این اسناد به آژانس، در اختیار سرویس‌های جاسوسی غرب قرار گرفت.» (غضنفری، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۱). این امر بسترهای لازم برای بهانه جویی غرب و صدور قطعنامه‌های شورای حکام و ارسال پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد فراهم نمود.

۳- دولت احمدی نژاد (از سال ۱۳۹۲-۱۳۸۴)

در این دوره دیپلماسی هسته‌ای دولت‌های نهم و دهم براساس گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور دنبال شد که اتخاذ این رویکرد آثار و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال داشت که در ادامه به اهم آن‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱- نقاط ضعف دوره دوم

۱- سوءاستفاده کشورهای غربی از گفتمان احمدی نژاد در پرونده هسته‌ای

سیاست تهاجمی دولت احمدی نژاد اگر چه با دستاوردهایی در فعالیت‌های هسته‌ای همراه بود؛ اما در درون خود با تهدیداتی نیز مواجه بود یکی از مهمترین پیامدهای منفی سیاست تهاجمی در پرونده هسته‌ای که توسط گفتمان‌های رقیب برجسته می‌شد، افزایش تهدیداتی بود که متوجه امنیت ملی کشور می‌شد. با بحرانی‌تر شدن مناقشه هسته‌ای میان ایران و غرب، پس از تشدید فعالیت‌های هسته‌ای در دولت نهم و دهم، گزینه‌ی مهار ایران، طیف گسترده‌تری از گزینه‌ها را شامل می‌شد (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۴: ۵۱). قدر مسلم این است که اولین و مطمئن‌ترین انتخاب غرب برای کنترل و مهار ایران در عرصه‌های متعدد رویارویی خصوصاً مناقشه هسته‌ای گزینه نظام بوده است؛ لیکن با توجه به این که برآورد آنها از عواقب حمله به ایران، این سناریو را منتفی می‌کرد، سطح دوم فشار که اعمال تحریم‌های فلج کننده علیه ایران بود در دستور کار آنان قرار گرفت (کریمی پور، ۱۳۹۴).

۲- ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل.

۳- تبدیل بعد حقوقی فنی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی - نظامی (رحیمی، ۱۳۹۳: ۶۳).

۳-۲- نقاط قوت دوره دوم

۱- تبدیل موضوع هسته‌ای به گفتمانی عمومی

نزدیک به دو و نیم سال، سیاست اعتمادسازی و همکاری دولت خاتمی در موضوع هسته‌ای، در ماه‌های پایانی دولت اصلاحات، بی‌نتیجه به نظر می‌رسید. به گفته‌ی روحانی «پس از گذشت بیش از سه ماه مذاکره بعد از موافقتنامه‌ی پاریس، آشکار شد که سه کشور اروپایی اتحاریه‌ی اروپا، خواهان تطویل مذاکرات و احتمالاً عدم دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب هستند. بنابراین، نمی‌خواهند در

برابر حقوق غیرقابل انکار ایران برای ازسرگیری فعالیت غنی‌سازی تسلیم شوند.» احمدی‌نژاد با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴، گفتار تازه‌ای را در موضوع هسته‌ای وارد کرد که در گسست از گفتار هسته‌ای دولت اصلاحات، به دنبال محوریت بخشی به موضوع هسته‌ای در عرصه‌ی عمل سیاست خارجی بود. در این دوره بود که موضوع هسته‌ای وجهی گفتمانی یافت؛ به این معنا که به گفتمانی عمومیت یافته‌تر در سطح اجتماعی بدل شد که امکان معنادهی به کنش‌ها و رفتارهای سیاست خارجی دولت وی را ممکن کرد. گفتمان هسته‌ای از آن چنان نیروی برخوردار بود که امکان معنادهی به مفاهیم سیاست خارجی ایران در افقی تازه را فراهم می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی و عطائی، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۸).

۲- مقابله با زیاده خواهی کشورهای غربی با لغو تعلیق و متوقف نمودن اجرای پروتکل الحاقی

حسن روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» می‌نویسد: «اروپا در مذاکرات تهران تعهد کرده بود تا زمانی که فعالیت نظنز آغاز نشده است، از ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت جلوگیری کند، ولی در بهمن ۱۳۸۴ در شرایطی پرونده هسته‌ای به شورای امنیت ارجاع شد که نظنز در تعلیق بود بنابراین اروپا تعهد خود را نقض کرده بود. «روحانی در قسمت دیگری از این کتاب در این باره می‌نویسد: «در دولت نهم هم تعلیق نظنز هشت ماه ادامه یافت و حتی اگر شورای حکام به دلیل راه‌اندازی یوسی‌اف اصفهان، پرونده را به شورای امنیت ارجاع نمی‌داد و پرونده در آژانس می‌ماند بی‌تردید نظنز به آن زودی راه‌اندازی نمی‌شد و مسیر مذاکرات ادامه می‌یافت. راه‌اندازی نظنز در واقع پاسخ به اقدام غیرمنطقی شورای حکام آژانس بود. اساساً دولت نهم در هیچ موردی تعلیق را به انتخاب خود نشکست، تعلیق اصفهان که در دولت هشتم شکسته شد و تعلیق نظنز هم به دلیل ارجاع پرونده به شورای امنیت شکسته شد.» (روحانی، ۱۳۹۲: ۶۱۷-۶۱۷ و ۶۰۵).

۴- دولت روحانی (از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷)

در این دوره دیپلماسی هسته‌ای دولت‌های یازدهم و دوازدهم مبتنی بر گفتمان اعتدال‌گرایی است که اتخاذ این رویکرد آثار و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال داشته است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۴-۱- نقاط ضعف دوره سوم

۱- گره زدن مسائل اقتصادی با پرونده هسته‌ای و برجام

یکی از نقاط منفی که طی سال‌های اخیر باعث ضعف‌های عمده در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی و سرکشی غرب در مقابل ایران گردیده آن است که از آغاز مذاکرات ایران با سه کشور اروپایی، مقامات مذاکره کننده به نوعی افزایش همکاری‌های خود با غرب و افزایش دامنه محدودیت‌های مرتب‌بر آن را منوط به کسب امتیازات ناچیز و ظاهری اقتصادی و تکنولوژیکی نمودند، در صورتی که ایجاد ارتباط میان منافع اقتصادی و تکنولوژیکی با منافع کسب فناوری صلح آمیز هسته‌ای (که اصلاً قابل مقایسه نیستند)، اشتباه بزرگی بود که سه کشور اروپایی را در افزایش دامنه فشارهای خود بر ایران جهت دست کشیدن از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای خود ترغیب نمود (گلشن‌پژوه و حجازی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). گره‌زدن تمامی مشکلات اقتصادی کشور به تحریم‌های - اقتصادی و رفع تحریم‌های اقتصادی به مذاکرات هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای به ارتباط با ایالات متحده آمریکا، رویکرد کاملاً نادرستی است که نمی‌تواند به تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران منجر شود (کریمی پور، ۱۳۹۴). به عنوان نمونه و هم‌زمان با مذاکرات ایران و قدرت‌های جهانی، فضایی در کشور ایجاد شد که می‌گفت اگر برجام شکل بگیرد، تحریم‌ها برداشته می‌شود، سرمایه‌گذاری خارجی فوراً شروع می‌شود و همه مشکلات حل خواهد شد. این تصور از برجام از ابتدا اشتباه بود (سریع‌القلم، ۱۳۹۷). در این بزرگ‌نمایی دولت و به‌ویژه رئیس‌جمهور، نقشی اساسی داشته که به جهت جلوگیری از اطاله کلام به ذکر دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. روحانی گفت: «تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط‌زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود، منابع آبی زیاد شده و بانک‌ها احیا شوند.» (روحانی، ۱۳۹۴). از امروز به بعد حفظ برجام یکی از مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی است، ما از نیمه راه بر نمی‌گردیم. (روحانی، ۱۳۹۶). اندیشکده شورای آتلانتیک در یادداشتی با عنوان «اقتصاد راکد ایران در پسابرجام» در این زمینه نوشته است: بیشتر ایرانیان کوچه و بازار از حصول برجام هیجان‌زده شده بودند و به شدت امیدوار بودند که تأثیر مثبتی داشته باشد، اما آن انتظارات هنوز به سرانجام نرسیده است و در ادامه این گزارش آمده است: «بسیاری از اقتصاددانان باور دارند که مشکلات ایران از جمله تورم و

بیکاری، تنها به‌وسیله تحریم‌ها به وجود نیامدند، بلکه ریشه در سوءمدیریت دولت دارند.» (SAMIMI, 2016).

۲- محدودیت‌های موجود در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت

یکی از موضوعات مورد توجه، پیوست دوم قطعنامه ۲۲۳۱ است که باید در آن تأمل بیشتری داشت. در نگاه نخست این پیوست نشان می‌دهد که تمامی تحریم‌های شورای امنیت مندرج در چهار قطعنامه تحریمی ۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ به نوعی در آن تکرار شده‌اند. نکته‌ی دیگر این است که شورای امنیت همان سازوکار و شدت برخورد با کالا، خدمات و موارد مورد تحریم را در پیوست دوم قطعنامه درپیش گرفته است؛ به گونه‌ای که اجازه فروش و عرضه تسلیحات محدود شده براساس تأیید شورای امنیت خواهد بود. شورا قصد داشته با مسدود نمودن هرگونه درآمد مالی برای ایران به واسطه فروش تسلیحات و از طرف دیگر، امکان واردات تسلیحات از دیگر کشورها که برخی قطعات آن‌ها قابل استفاده در موشک‌های بالستیک است. موجب محدودیت‌های بسیار برای ایران در این گونه موارد شود (رضایی پیش رباط و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۰۹-۵۰۸).

۳- تفسیرهای متفاوت از برجام

تفسیرهای متفاوت طرفین از متن برجام از چالش‌های اجرای دقیق آن است که می‌تواند روند اجرای کامل تعهدها را با موانع جدید روبه‌رو کند. تفسیرهای متفاوت از برجام می‌تواند آسیب‌هایی از جمله ابهام در خصوص تحریم‌های ایالتی آمریکا، تأخیر در فرآیند لغو تحریم‌های ثانویه آمریکا به دلیل اصلاح برخی قوانین کنگره و وجود منقذهای خروج از مسئولیت در کمیسیون مشترک برجام به همراه داشته باشد.

۴- تضعیف توان دفاعی به سبب محدود شدن دستیابی به فناوری‌های دو منظوره

بدون در نظر گرفتن میزان اهمیت و کاربرد اقلام دو منظوره در صنایع و مراکز نظامی کشور، صرف نیاز به کسب اجازه و هماهنگی با کمیسیون مشترک برجام برای طراحی، توسعه، ساخت، دستیابی و یا استفاده از تجهیزات فوق پیشرفته موجب می‌شود ناظران خارجی بتوانند برای اطمینان از عدم انحراف ایران از این تعهدات، طبق وظایف و فرآیندهای تعریف شده در بندهای ۷۴ تا ۷۸ پیوست ۱ برجام، توجیه لازم را برای دسترسی به اماکن نظامی داشته باشند (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۶: ۲۰۹-۲۰۸ و ۲۰۳-۲۰۱).

۵- پذیرش تعهدها و محدودیت‌های فراپادمانی بلندمدت

از دیگر نقاط آسیب‌پذیر برجام، پذیرش محدودیت‌های بلندمدت است که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم ذخیره‌ی آب سنگین مازاد بر نیاز رآکتور اراک، عدم انجام باز فراوری، عدم انجام تحقیقات مرتبط با باز فراوری، عدم انجام غنی‌سازی فراتر از ۳/۶۷ درصد، محدود نگاه داشتن سانتریفیوژهای نطنز به تعداد ۵۰۶۰ سانتریفیوژ از نوع آی آر یک، انجام تحقیقات و توسعه با استفاده از اورانیوم فقط بر روی سانتریفیوژهای «آی آر» چهار، پنج، شش و هشت، استفاده از حداکثر ده سانتریفیوژ «آی آر» چهار، یک سانتریفیوژ «آی آر» پنج، یک سانتریفیوژ «آی آر» شش و یک - سانتریفیوژ «آی آر» هشت، انجام تحقیقات و توسعه با استفاده از اورانیوم فقط در سایت نطنز، عدم انجام هرگونه غنی‌سازی اورانیوم و استفاده از مواد هسته‌ای در فردو و... (همان جا).

۴-۲- نقاط قوت دوره سوم

۱- افشای چهره ایالات متحده و کاهش سطح اعتماد عمومی به این کشور

در این زمینه می‌توان به برخی موارد از جمله اظهارات «فدریکا موگرینی^۱» در آخرین مصاحبه خود با «پی‌بی‌اس» اشاره نمود که وی گفت: «رفتارهای ترامپ و دولت آمریکا در بی‌توجهی به منافع طرفین توافق ممکن است دیگر کشورها را نسبت به ارتباط و مذاکره با واشنگتن بدبین و دچار تردید کند و این خبر خوبی برای آمریکا نیست.» این سخنان از زبان مسئول سیاست خارجی اروپا و بسیاری مقامات ارشد دیگر در حقیقت شکست استراتژی «مذاکره و گفت‌وگو با غرب» است که نه تنها پیامدهای داخل ایران بلکه تبعات جهانی خواهد داشت. آمریکا به واسطه برجام و افشای چهره حقیقی خود در هر دو میدان شکست خورده است و اینک در ایران نیز حتی حامیان نخستین تفکر مذاکره نیز در مقابل برجام موشکی و منطقه‌ای راه احتیاط و تقابل در پیش گرفته‌اند. هم چنین موج انتقاد بی‌سابقه‌ای از سوی رسانه‌های غربی و حتی داخلی آمریکا در قبال سیاست‌های این کشور به وجود آمده و در مورد غیرقابل اعتماد بودن آمریکا با ایران هم صدا شده‌اند. «نانسی پلوسی^۲»، رهبر اقلیت کنگره آمریکا در مقاله‌ای در واشنگتن پست نوشت: «عبور از برجام و افزایش فشار و تحریم علیه ایران، این کشور را منزوی نمی‌کند. بلکه آمریکا را منزوی می‌کند.» نشریه امریکایی ویک نیز

1 Federica Mogherini

2 Nancy Pelosi

نوشت: «آمریکای پس از برجام نمایشی سیاه و تاریک از خود برای جهان تصویر کرده و بسیاری از راه‌حل‌های موجود را از بین خواهد برد» (عامری، ۱۳۹۶).

جمع بندی و تبیین شرایط پیش‌رو

دردرون گفتمان انقلاب اسلامی خرده‌گفتمان‌های صلح‌گرایی مردم‌سالاری در دوره اول (دولت خاتمی)، اصول‌گرایی عدالت‌محور در دوره دوم (دولت احمدی‌نژاد) و اعتدال‌گرایی در دوره سوم (دولت روحانی) متولد و در چارچوب آن رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بویژه پرونده هسته‌ای شکل گرفت؛ از سوی دیگر رویکرد قدرت‌های بزرگ نسبت به این پرونده در دوره‌های مزبور متفاوت است، اما در موضوع مهار و جلوگیری از قدرت‌سازی جمهوری اسلامی ایران متفق‌القول بوده‌اند.

در این راستا برجینش هسته‌ای استراتژی اصلی واشنگتن در موضوع هسته‌ای ایران است، اتحادیه اروپا نیز افزایش قابلیت‌های هسته‌ای ایران را در تباین با ضریب امنیت خود و متعارض با شاخص‌های ثابت جهانی می‌داند. سیاست روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران یک نگاه دو پهلو و متناقض بوده و در واقع می‌توان گفت بین عملکرد روسیه نسبت به رابطه ایران و غرب رابطه‌ی معنا داری وجود دارد و نکته آخر این که مناسبات میان پکن و واشنگتن و بحث امنیت انرژی چین دو عنصر اصلی شکل دهنده به سیاست خارجی چین در مورد مناقشه هسته‌ای ایران است. با توجه به موارد فوق دولت‌های جمهوری اسلامی در قالب گفتمان‌های مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به موضوع هسته‌ای داشته‌اند که اتخاذ این رویکردها با آثار و پیامدهای مثبت و منفی همراه بوده است که مهمترین نقاط قوت آن‌ها عبارت‌اند از: «طراحی و راه‌اندازی چرخه سوخت هسته‌ای و ایجاد مدیریت واحد در پرونده هسته‌ای در دوره اول (دولت خاتمی)، تبدیل موضوع هسته‌ای به گفتمانی-عمومی، لغو تعلیق و متوقف نمودن پروتکل الحاقی و مقابله با زیاده خواهی کشورهای غربی در دوره دوم (دولت احمدی‌نژاد)، افشای چهره ایالات متحده و کاهش سطح اعتماد عمومی به این کشور، بسته شدن موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه‌های هسته‌ای ایران، خروج کشور از چارچوب مقررات فصل هفت منشور سازمان ملل متحد، از نقاط قوت دوره سوم (دولت روحانی)، هم‌چنین از مهمترین نقاط ضعف دولت‌های مذکور می‌توان به انفعال در برابر شورای حکام و تهدیدات

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

کشورهای غربی، مذاکره با سه کشور اروپایی به عنوان حکم و ایجاد رویه علیه ج.ا.ا، رقابت و عدم هماهنگی بین سازمان انرژی اتمی و وزارت امور خارجه، شتاب زدگی و عدم دقت در اعلام ابعاد فعالیت‌های هسته‌ای در دوره اول (دولت خاتمی)، سوء استفاده کشورهای غربی از گفتمان احمدی نژاد، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی به شورای امنیت سازمان ملل و تبدیل بعد حقوقی فنی پرونده هسته‌ای به بعد سیاسی - نظامی (دردوره دوم)، گره زدن مسائل اقتصادی با پرونده هسته‌ای و برجام، محدودیت‌های موجود در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تفسیرهای متفاوت از برجام، تضعیف توان دفاعی به سبب محدود شدن دستیابی به فناوری‌های دو منظوره، پذیرش تعهدها و محدودیت‌های فرآیدمانی اشاره نمود.

سناریوهای پیش‌رو و ارائه الگوی مطلوب

پیش بینی و داشتن برآوردی صحیح از آینده پیش‌روی برجام و تدوین سناریوهای احتمالی امری حیاتی بشمار می‌رود تا با در نظر داشتن شرایط داخلی و خارجی و به منظور اجتناب از تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته، از میان گزینه‌های مختلف گزینه‌ی مطلوب که منافع ملی را تأمین نماید، انتخاب شود. در این زمینه می‌توان به عنوان نمونه در ادامه به برخی از سناریوهای احتمالی و الگوی پیشنهادی اشاره نمود:

۱- موفقیت مذاکرات فی‌مابین ایران و +۱

به عقیده بسیاری از تحلیلگران اگر اتحادیه اروپا با همراهی چین و روسیه در مقابل یک جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا ایستادگی نماید (که احتمال آن ضعیف است) ضمن تقویت چندجانبه‌گرایی و ادامه حیات برجام، زمینه بهره‌مندی ایران از منافع آن فراهم می‌شود. در این وضعیت ضمن افزایش همکاری بین ایران و کشورهای اروپایی، روابط ایران با کشورهای روسیه و چین نیز متوازن و کارت بازی ایران از دست آن‌ها خارج خواهد شد.

۲- اتخاذ سیاست ائتلاف وقت توسط اروپایی‌ها به منظور حفظ برجام با امید تغییر

دولت و کنگره آمریکا

برجام وارد یک دوره گذار شده که باید ایران با هوشمندی آن را مدیریت و یا به عبارت دیگر سیاست صبر و انتظار پیشه نماید تا ۲ سال باقی مانده دوره ریاست جمهوری ترامپ پایان یابد و یا

ترامپ از قدرت برکنار شود. البته این موضوع با توجه به سازوکارهای موجود و هم چنین تجربه عدم تحقق نمونه بارز آن در سال ۲۰۰۶ توسط دموکرات‌ها (الزام جورج بوش برای خروج از عراق پس از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای کنگره)، متوقف نمودن رویکرد کنونی ترامپ با ابهام مواجه ساخته است. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که حتی در صورت پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای کنگره و دوره بعد ریاست جمهوری ایالات متحده، بازگشت و پایبندی این کشور به برجام با اضافه کردن شروط جدیدی همراه خواهد بود که سرانجام آن وضعیتی مشابه اواخر دولت خاتمی و اروپایی‌ها رقم خواهد زد

۳- گسترش دامنه مذاکرات فعلی به سایر موضوعات به منظور همراهی و وادار نمودن آمریکا به اجرای برجام

برخی بر این باورند با خروج ترامپ از برجام، آمریکایی‌ها از طریق اتحادیه اروپا با ایران در حال مذاکره‌اند و به عبارت دیگر بین آمریکای‌ها و اروپایی‌ها یک تقسیم کار برای عدم بهره‌مندی ایران از برجام صورت گرفته است که براساس آن اروپایی‌ها می‌خواهند به آمریکای‌ها، رژیم صهیونیستی و کشورهای مرتجع منطقه اثبات کنند که نگرانی‌های آن‌ها را در زمینه‌های نفوذ منطقه-ای ایران و توان دفاعی و موشکی ایران را درک می‌کنند و ادامه مذاکرات مربوط به اجرای برجام بدون آمریکا را با موارد فوق‌گرفته خواهند زد و این امر با توجه به شرایط موجود، مذاکرات را با بن بست مواجه خواهد ساخت و از سوی دیگر قدرت چانه‌زنی آن‌ها را در زمینه‌های مورد اختلاف با آمریکا از جمله رفع تعرفه‌های تجاری و هم چنین زمینه را برای دوشیدن بیش از پیش رژیم‌های مرتجع حاکم در حاشیه خلیج فارس را فراهم خواهد ساخت و گزینه‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران در صورت به بن رسیدن کامل مذاکرات، خروج از برجام و تعلیق اجرای پروتکل الحاقی و ادامه مسیر برنامه هسته‌ای و بی‌توجهی به بازگشت تحریم‌های آمریکا و اروپاست. در این راستا راه‌اندازی UF6، غنی سازی تا حد ۲۰ درصد، شتاب بخشیدن در به‌کارگیری موتورهای نیرومند هسته‌ای و تولید ایزوتوپ‌های پایدار، به‌کارگیری الیاف کربن و پژوهش درباره IR6 و IR8، غنی سازی با سانتریفیوژهای نسل جدید در دستور کار قرار می‌گیرد؛ و نگاه به شرق بیش از گذشته در سیاست خارجی ایران تقویت خواهد شد.

۴- تردید در میزان توانایی اروپایی‌ها برای حفظ برجام

اتخاذ تدابیری مانند قانون مسدودسازی توسط اروپایی‌ها با توجه به مشخصه‌های شرکت‌های بزرگ آنها (منافع اقتصادی و محاسبه هزینه - فایده، قدرت اول اقتصادی جهان و بازار بزرگ آمریکا و دارا بودن بخش زیادی از سهام آنها و...) از کارایی لازم برخوردار نمی‌باشد و در واقع اتخاذ این سازوکار صرفاً پوششی برای جلوگیری از خروج ایران از برجام می‌باشد و از منفعی که در چارچوب برجام برای جمهوری اسلامی پیش بینی شده است منتفع نخواهد شد.

۵- مذاکره با دولت ترامپ آمریکا

در صورت احتمال این گزینه و انجام مذاکره دوجانبه با ایالات متحده آمریکا، ضمن تکرار دور باطل گذشته و با توجه به فرهنگ راهبردی این کشور، برنامه هسته‌ای تنها بخشی از یک توافق فراگیر و همه جانبه خواهد بود و در آن ایالات متحده آمریکا با حذف محدودیت زمانی توافق هسته‌ای، دامنه آن را به نفوذ منطقه‌ای ایران، توان دفاعی و موشکی، حقوق بشر و... گسترش خواهد داد و در خصوص موضوع هسته‌ای استراتژی برچینش را به صورت گام به گام دنبال خواهد نمود و در واقع این گزینه، مطلوب غرب باوران است که سرانجام آن تسلیم کامل در مقابل زیاده خواهی‌های آمریکا و بازگشت به شرایط قبل از انقلاب می‌باشد.

با توجه به موارد فوق و علی‌رغم نقض عهد اروپایی‌ها در سال‌های ۸۲ و ۸۳ و هم چنین سیاست‌های منفعت محور و گاه متناقض روسیه و چین در موضوع هسته‌ای، گزینه اول از بین سایر گزینه‌ها (به ناچار)، گزینه مطلوب خواهد بود و می‌توان گفت گرچه با خروج آمریکا از برجام بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ اروپایی از تعامل و ارتباط با سیستم مالی و اقتصادی ایران استنکاف خواهند نمود، اما شرایط اقتصادی ایران به زمان قبل از امضای برجام باز نخواهد گشت و از سوی دیگر بنا به نظر کارشناسان فقط ۲۰ درصد از تحریم‌ها به موضوعات برجام ارتباط دارد و اتخاذ سیاست‌های جامع و مناسب اقتصادی از جمله اقتصاد مقاومتی برای برون رفت از این وضعیت بیش- ازپیش حائز اهمیت می‌باشد و از سویی دیگر جنگ روانی و ایران هراسی آمریکا و متحدین آن رنگ خواهد باخت.

منابع و مآخذ

بررسی مقایسه‌ای رویکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون پرونده هسته‌ای (۱۳۹۷-۱۳۷۶)

- امیدی، علی. (۱۳۹۰). چالش‌های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۴ (۸)، ۴۳-۶۴.
- امیدی، علی، غلام‌زاده، احسان و فهیمی، فاطمه. (۱۳۹۱). تحلیلی از تقابل ایران و آمریکا در برنامه هسته‌ای در چارچوب نظریه بازی‌ها. *دانش سیاسی و بین‌المللی*. ۱۱ (۱)، ۱۱۱-۱۲۷.
- امیدی، علی و مرادی‌فر، سعیده. (۱۳۹۳). برسازي امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران. *سیاست جهانی*، ۳ (۴)، ۱۴۹-۱۲۱.
- باقری دولت‌آبادی، علی و شفیعی‌سیف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۵). از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران، تهران؛ انتشارات تپسا.
- برزگر، کیهان. (۱۳۹۲). فرصت‌ها و چالش‌های روحانی در عرصه سیاست خارجی. *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۱۳۹۲/۵/۹، قابل دسترسی در: <https://donya-e-eqtasad.com/23/743942>
- بصیری، محمدعلی و قاسمی، مصطفی. (۱۳۸۵). مواضع اتحادیه اروپا و آمریکا در پرونده هسته‌ای ایران. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۵۴ (۲۲۶)، ۶۴-۲۵.
- بعیدی نژاد، حمید. (۱۳۸۴). سیاست هسته‌ای آقای خاتمی. *سیاست خارجی*، ۱۹ (۱)، ۲۱۸-۱۹۳.
- _ (۱۳۸۵). واکنش صادق خرازی به نامه جنجالی ۲۰۰۳. سایت تحلیلی - خبری عصر ایران، <http://www.asriran.com/fa/news/12170>، قابل دسترسی در: ۱۳۸۵/۱۲/۱
- خالوزاده، سعید. (۱۳۸۹). فرازونشیب روابط ایران و اروپا؛ از تنش‌زدایی خاتمی تا پرسشگری احمدی نژاد. *خبرگزاری مهر*، ۳۸۹/۶/۶، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/1123521/>
- حقوق‌شناس، رضا. (۱۳۹۰). سیاست خاورمیانه‌ای چین و برنامه هسته‌ای ایران. *مطالعات خاورمیانه*، ۱۸ (۲)، ۸۴-۵۵.
- داوودی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). نظریه گفتمان و علوم سیاسی. *مطالعات سیاسی*، ۲ (۸)، ۷۶-۵۳.
- دل‌اورپور اقدم، مصطفی. (۱۳۹۶). فرصت‌ها و چالش‌های پسا برجام، تهران؛ موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران؛ انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران؛ انتشارات مخاطب.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و عطائی، مهدی. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت احمدی نژاد از هژمونی تا افول. *ایرانی سیاست بین الملل*، ۴ (۱)، ۲۲-۵۸.
- راجی، محمد مهدی. (۱۳۹۶). آقای سفیر (گفتگو با محمدجواد ظریف سفیر پیشین ایران در سازمان ملل متحد)، تهران؛ نشر نی.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۹۳). گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید. *مطالعات راهبردی*، ۱۷ (۶۶)، ۳۱-۶۶.
- _. (۱۳۹۶). ردپای جاسوسی گروهک منافقین در پرونده هسته‌ای ایران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، قابل دسترسی در: <http://www.irdc.ir/fa/news/805>
- رسولی ثانی آبادی، الهام و عسکری، امیرحسین. (۱۳۹۵). بررسی جهت‌گیری تجدید نظرطلبی در سیاست- خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴) بر اساس الگوی سیستمیک روابط بین‌الملل. سیاست-خارجی، ۳۰ (۴)، ۱۵۰-۱۲۱.
- رضایی، علیرضا. (۱۳۸۸). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه روابط بین‌الملل. *راهبرد یاس*، ۱۷ (۳)، ۲۹۰-۲۶۰.
- رضایی پیش‌رباط، صالح و دیگران. (۱۳۹۵). برجام، سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۲). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، چاپ هفتم، تهران؛ مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- روحانی، حسن. (۱۳۹۴). تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا مشکل محیط‌زیست حل شود. خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/94031709076>
- روحانی، حسن. (۱۳۹۶). هووها می‌خواستند نوزاد برجام را بکشند. سایت تحلیلی - خبری عصر ایران، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/533728>
- ریتر، اسکات. (۱۳۸۷). دروغ‌های سازمان مجاهدین خلق، منبع اطلاعات آمریکا از فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، قابل دسترسی در: <http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=10248> سالاری، مریم.
- (۱۳۹۴). کلید خوردن سناریوی پی‌ام‌دی. ایران آنلاین، قابل دسترسی در: <http://www.ion.ir/News/49900.html?catid=4&title>

بررسی مقایسه‌ای رویکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون پرونده هسته‌ای (۱۳۹۷-۱۳۷۶)

سجادپور، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۱). نمایشی در سه پرده: آمریکا و پرونده هسته‌ای ایران. ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۶۱. قابل دسترسی در:

<http://www.did.ir/catalog/index.aspx?cn=513C343>

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۷). توقعات برجمامی ظریف و روحانی از ابتدا اشتباه بود. خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در: <https://www.farsnews.com/news/13970409000945>

سلطانی‌نژاد، احمد، زهرانی، مصطفی و شاپوری، مهدی. (۱۳۹۱). سیاست چین در مناقشه هسته‌ای ایران و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات راهبردی*، ۱۵ (۴)، ۱۷۰-۱۴۳.

سلطانی‌نژاد، احمد، زهرانی، مصطفی و شاپوری، مهدی. (۱۳۹۲). آمریکا و برنامه هسته‌ای ایران: استراتژی برچینش و ابزارهای آن. *مطالعات راهبردی*، ۱۶ (۵۹)، ۱۴۸-۱۰۷.

سلطانی‌نژاد، احمد و شاپوری، مهدی. (۱۳۹۵). رویکرد اتحادیه اروپا به مسئله هسته‌ای ایران. *روابط-خارجی*، ۸ (۱)، ۱۷۶-۱۴۵.

صادقیان، رضا و موسوی، قائم. (۱۳۹۶). مقایسه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های خاتمی و احمدی‌نژاد. *پژوهش ملل*، ۲ (۶)، ۱۸-۱.

صبوری، ضیاءالدین و صالحیان، تاج‌الدین. (۱۳۹۶). بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم و دوازدهم. *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۲۴)، ۱۵۸-۱۳۳.

عامری، زینب. (۱۳۹۶). اثبات حقانیت ایران؛ تنها دستاورد برجمام. خبرگزاری دفاع مقدس، قابل دسترسی در: <http://defapress.ir/fa/news/270396>

عسگرخانی، ابومحمد. (۱۳۸۴). بزرگترین اشتباه ما مذاکره با اروپایی‌ها بود. خبرگزاری مهر، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/225978>

غضنفری، کامران. (۱۳۹۴). پرونده هسته‌ای و ابعاد پیدا و پنهان آن، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی. فاضلی، محمد، علی، جنادله و دیگران. (۱۳۹۵). برجمام، سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی و مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

قهرمانپور، رحمان. (۱۳۸۸). رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران. موسسه بین‌المللی رمیک، قابل دسترسی در: <http://remikinst.ir/book.asp?id>

کرمی، جهانگیر و کرامتی‌نیا، رقیه. (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه و پرونده هسته‌ای ایران: از تحریم تا برجمام. *آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۲ (۹۵)، ۹۷-۶۵.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- کریمی پور، داود. (۱۳۹۴). دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم، تحلیلی برماهیت و گفتمان. سایت پایداری ملی سازمان پدافند غیرعامل، قابل دسترسی در: <https://paydarymelli.ir/fa/news/14994>
- کریمی کشته، سعید. (۱۳۹۲). بررسی مقایسه‌ای نگرش ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه به پرونده هسته‌ای ایران. *مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی/اسراییل‌شناسی*، ۴ (۲)، ۹۳-۱۱۴.
- کوشا، سهیلا و اسکندری، محمدعلی. (۱۳۹۱). چالش‌های حقوقی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌های تحریمی. *سیاست خارجی*، ۲۰ (۲)، ۳۷۹-۳۹۸.
- گلشن پژوه، محمودرضا و حجازی، سیدحسن. (۱۳۸۴). پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها (ارزیابی حقوقی و سیاسی پیشنهادات سه کشور اروپایی به جمهوری اسلامی ایران)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- گلشن پژوه، محمود رضا و احدی، افسانه. (۱۳۸۴). پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها (ارزیابی استراتژی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- گلشن پژوه، محمودرضا. (۱۳۸۶). پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- گلشن پژوه، محمودرضا و احمدی‌لفورکی، بهزاد. (۱۳۸۷). پرونده هسته‌ای ایران (۴) بازدارندگی: کلید حل مسئله هسته‌ای ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- گلشن پژوه، محمودرضا و بای، نادعلی. (۱۳۸۷). پرونده هسته‌ای ایران (۴) حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- متقی، ابراهیم و جمالی‌پور، هدایت‌الله. (۱۳۹۱). بررسی روندهای تداوم و تغییردرسیاست خارجی ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد. *مطالعات سیاسی*، ۴ (۱۱)، ۱۰۱-۱۱۴.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۴). گزینه‌های رفتار استراتژیک ایران در پرونده هسته‌ای. ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۷، قابل دسترسی در: <http://bashgah.nonegar4.ir/fa/content/show/18999>
- محمدی، محمدرضا. (۱۳۹۶). تاثیرگذاری و تاثیرپذیری بازیگران مهم بین‌المللی در فرآیند حصول برجام. اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶/۷/۱۵، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/21271>
- منتظران، جاوید. (۱۳۹۵). چرایی و چگونگی امنیتی‌سازی مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط غرب. اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/18108>

بررسی مقایسه‌ای رویکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون پرونده هسته‌ای (۱۳۹۷-۱۳۷۶)

میسائی، قاسم، دین پرست، فائز، جعفری، محمد و گلستان، مسلم. (۱۳۹۶). دیپلماسی رسانه‌ای و مذاکرات هسته‌ای ج.ا.ا. مطالعات فرهنگ رسانه، ۱۸ (۳۸)، ۱۵۴-۱۳۳.

هوارث، دیوید. (۱۳۸۸). نظریه گفتمان. ترجمه سید علی اصغر سلطانی، علوم سیاسی، ۱ (۲)، ۱۸۳-۱۵۶.

یوسف پور، بابک، رحیمی، عبدالرحیم. (۱۳۸۱). انرژی هسته‌ای؛ ضرورت‌ها و سیاست‌ها. اقتصاد انرژی، شماره‌های مرداد و شهریور ماه.

Iran's Nuclear Program. (2010). <https://www.cfr.org/backgrounder/irans-nuclear-program>

Updated Blocking Statute in support of Iran nuclear deal enters into force
Brussels August 2018, http://europa.eu/rapid/press-release_IP-18-4805_en.htm
<https://therealnews.com/stories/us-is-helping-bloodthirsty-cult-the-mek-try-to-overthrow-irans-government>

Cockbur Andrew. (2014). Manufactured Crisis: The Untold Story of the Iran Nuclear Scare, <https://harpers.org/blog/2014/05/manufactured-crisis-the-untold-story-of-the-irannuclear-scare>

Dassa Kaye ,Dalia. (2018). The Strategic Fallout of U.S Withdrawal from the Iran Deal, <https://www.rand.org/blog/2018/05/the-strategic-fallout-of-us-withdrawal-from-the-iran.html>

Robin Wright. (2014). Javad Zarif on Iran's Nuclear Negotiations, <https://www.newyorker.com/news/news-desk/javad-zarif-on-irans-nuclear-negotiations>

Samimi, Mehrnaz. (2016). Iran's Sluggish Economy Post-JCPOA, [HTTP://WWW.ATLANTICCOUNCIL](http://WWW.ATLANTICCOUNCIL).